

اربعین امام حسین علیه السلام و ماجرای بازگشت اهل بیت ایشان به کربلا

محمد سالم محسنی / دکتری فلسفه اسلامی و مدرس جامعه المصطفی العالمیه، قم / ms.muhseni@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶
(DOI): 10.22034/shistu.2023.546683.2196

چکیده

از چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام در فرهنگ شیعه به عنوان «اربعین» یاد می‌شود و شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام در این روز به زیارت آن حضرت می‌روند. نخستین کسی که در اربعین اول به زیارت سیدالشهداء علیه السلام در کربلا رفت، جابر بن عبدالله انصاری بود؛ اما درباره بازگشت اهل بیت امام حسین علیه السلام از شام به کربلا در روز اربعین گزارش روشنی وجود ندارد. مقاله حاضر به این پرسش پرداخته است که آیا اهل بیت سیدالشهداء علیهم السلام توانستند در اربعین اول به کربلا بروند یا خیر؟ در این باره بین علما و محققان به طور کلی دو دیدگاه شکل گرفته است: برخی آن را استبعاد کرده و حتی عملاً ناممکن بر شمرده‌اند؛ ولی برخی دیگر دلایل و شواهد متعددی بر امکان وقوع آن اقامه کرده‌اند. نگارنده با مطالعه و بررسی منابع ذی‌ربط و با نقد و ارزیابی دلایل دو دیدگاه، به این نتیجه دست یافته است که هیچ یک از دو نظریه بازگشت و عدم بازگشت اهل بیت به کربلا از قطعیت برخوردار نیست؛ زیرا شواهد و قراین قابل توجهی به نفع هر دو نظریه وجود دارد؛ ولی در عین حال نظریه بازگشت اهل بیت به کربلا محتمل‌تر به نظر می‌رسد. این تحقیق با رویکرد تاریخی و روش «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: اربعین، کربلا، اهل بیت امام حسین علیه السلام، جابر بن عبدالله انصاری.

مقدمه

اربعین امام حسین علیه السلام چهلمین روز شهادت آن حضرت است. در این روز، شیعیان و مجبان اهل بیت به زیارت قبر سیدالشهداء علیه السلام رفته، بر آن حضرت عزاداری می‌کنند. در روایتی که از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده، زیارت اربعین یکی از نشانه‌های پنجگانه مؤمن به شمار آمده است. (مفید، ۱۴۱۳ق - ب، ص ۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۸؛ ابن مشهدی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۲؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۰۰)

در روز اربعین دو زیارت برای امام حسین علیه السلام وارد شده است؛ زیارت نخست را صفوان بن مهران جمال از امام صادق علیه السلام روایت کرده که با این عبارات آغاز می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيَّ وَ عَلَى اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ». (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۱۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۸؛ ابن مشهدی، ۱۳۷۸، ص ۵۱۴؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸۸؛ همو، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۰۱؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۵؛ کفعمی، ۱۴۰۵، ص ۴۸۹) زیارت دوم را سید بن طاووس در مصباح الزائر از عطاء (عطیه عوفی) روایت کرده و گفته است: جابر بن عبدالله انصاری امام حسین علیه السلام را با آن زیارت کرد که اولین فراز آن چنین است: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ». (سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸۶)

علامه مجلسی در وجه استحباب زیارت اربعین می‌نویسد: مشهور میان اصحاب ما این است که علت استحباب زیارت اربعین، بازگشت اهل بیت سیدالشهداء علیه السلام از شام به کربلا و ملحق کردن سر مطهر آن حضرت به بدن اوست؛ اما وی خودش چون آمدن اهل بیت را به کربلا در روز اربعین بعید می‌شمارد، دلیل دیگری را مطرح کرده، می‌نویسد: استحباب زیارت اربعین شاید به این علت باشد که جابر بن عبدالله انصاری در این روز به کربلا آمد و سیدالشهداء علیه السلام را با زیارت اربعین زیارت نمود و برای ما نیز تأسی به او مستحب است، یا شاید به این علت باشد که اهل بیت سیدالشهداء علیه السلام در این روز در شام از حبس رها شدند و یا ممکن است علت دیگری داشته باشد که برای ما معلوم نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸،

در میان رویدادهای اربعین، آمدن جابر بن عبدالله انصاری به کربلا مشهور است و بسیاری از علما آن را نقل کرده‌اند و جابر را اولین زائر قبر سیدالشهداء علیه السلام برشمرده‌اند. (مفید، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰-۵۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۷؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۷؛ سیدبن طاووس، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۹)^۱ ابوجعفر طبری (م ۵۵۳ق) و خوارزمی (م ۵۶۸ق) بیش از همه به شرح این رویداد پرداخته و چگونگی ورود جابر به کربلا و زیارت سیدالشهداء علیه السلام را با تفصیل و جزئیات آن گزارش کرده‌اند. (طبری ابوجعفر، ۱۳۸۳ق، ص ۷۴-۷۵؛ خوارزمی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱)

اما آنچه در بحث از اربعین سیدالشهداء علیه السلام، محل گفت‌وگو و اختلاف نظر واقع شده، آمدن اهل بیت از شام به کربلاست. بنابراین پرسش تحقیق این است که آیا اهل بیت امام حسین علیه السلام هنگام بازگشت از شام، با توجه به محدودیت زمانی و طولانی بودن مسافت بین شام و عراق، توانستند در اربعین سال ۶۱ هجری خود را به کربلا برسانند یا نه؟ در پاسخ به این پرسش، نخست به پیشینه مسئله اشاره می‌شود و سپس دیدگاه موافقان و مخالفان بازگشت اهل بیت به کربلا موضوع بحث قرار می‌گیرد و دلایل و شواهد دو دیدگاه نقد و ارزیابی می‌شود و در نهایت، نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

درباره اربعین حسینی و مسئله بازگشت اهل بیت سیدالشهداء علیه السلام به کربلا، گذشته از مباحثی که در کتاب‌های تاریخی و مقتل‌ها ضمن بحث رویدادهای عاشورا مطرح شده، تحقیقات مستقلی نیز صورت گرفته است که می‌توان به کتب و مقالات ذیل اشاره کرد:

۱. البته در گزارش ابن نما حلی و سید بن طاووس سخنی از روز اربعین به میان نیامده، بلکه تنها آمدن جابر به کربلا و ملاقات با اهل بیت مطرح شده است.

۱. کتاب تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهداء^۱ اثر قاضی طباطبائی؛ وی به صورت گسترده به بررسی مسئله پرداخته و با آوردن شواهد زیادی بر بازگشت اهل بیت به کربلا در اربعین اول، به شدت از این نظریه دفاع کرده است.
۲. کتاب اربعین حسینی^۲، نوشته محمد امین پورامینی؛ این نویسنده نیز متمایل به نظریه بازگشت اهل بیت به کربلاست، ولی آمدن آنان را مدتی بعد از روز اربعین محتمل دانسته است.
۳. کتاب تحلیل تاریخی اربعین حسینی^۳، اثر محمد فاضل؛ در این کتاب نیز سعی شده است تا جریان بازگشت اهل بیت به کربلا به اثبات برسد.
۴. کتاب اربعین^۴، تألیف رسول جعفریان؛ مؤلف این کتاب بر خلاف کتاب‌های پیشین، مسئله بازگشت اهل بیت به کربلا در روز اربعین را بعید شمرده و مخالف نظریه بازگشت است.
۵. مقاله «پژوهشی در اربعین حسینی»^۵، اثر محسن رنجبر؛ وی اگرچه اقوال مختلف را بررسی کرده است، ولی بیشتر به نقد ادله محدث نوری پرداخته و در نهایت، خود متمایل به نظریه بازگشت اهل بیت به کربلاست.

-
۱. این کتاب نخست توسط بنیاد علمی فرهنگی شهید آیت‌الله قاضی طباطبائی در قم نشر یافته و سپس توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی در تهران به چاپ رسیده است.
 ۲. این کتاب توسط انتشارات حسنین در سال ۱۳۸۲. در قم منتشر شده است.
 ۳. این کتاب توسط مرکز پژوهش‌های صدا و سیما در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است.
 ۴. این کتاب در قطع جیبی و حجم ۳۲ صفحه توسط انتشارات مشعر در تهران سال ۱۳۹۰ نشر یافته، اما مطالب آن به عنوان یک فصل از کتاب دیگر آقای رسول جعفریان به نام «تأملی در نهضت عاشورا» نیز چاپ شده است.
 ۵. مجله تاریخ در آینه پژوهش، ش ۵ (بهار ۱۳۸۴)، ص ۱۵۷-۱۹۲.

۶. مقاله «تحقیقی درباره اربعین حسینی»^۱ اثر محمد تقی سبحانی نیا؛ این نویسنده به بررسی شواهد و قراینی از رویدادهای دوره اسارت اهل بیت پرداخته و از آن به نفع نظریه «عدم بازگشت اهل بیت به کربلا» استفاده کرده و در نهایت، خود مسئله بازگشت اهل بیت به کربلا در روز اربعین را بعید شمرده است.

اما امتیاز مقاله حاضر نسبت به تحقیقات انجام شده این است که اولاً، تمام اقوال و دیدگاه را بررسی و سپس نقد و ارزیابی کرده است. ثانیاً، در نقد و ارزیابی دیدگاه‌ها، تمام شواهد و قراینی را که در منابع متقدم بر اثبات یا رد مسئله بازگشت اهل بیت به کربلا دلالت دارند، ملاحظه کرده است. ثالثاً، یافته‌های آن متفاوت بوده و به این نتیجه انجامیده است که هیچ‌یک از نظریات از قطعیت و اعتبار کافی برخوردار نیست و دلایل قابل توجهی به نفع هر دو دیدگاه وجود دارد.

بررسی دیدگاه‌ها درباره بازگشت اهل بیت به کربلا

مسئله بازگشت اهل بیت به کربلا در اربعین اول، در منابع تاریخی متقدم به صورت صریح و روشن گزارش نشده، بلکه برخی شواهد و قراین بیانگر آمدن اهل بیت به کربلاست و برخی شواهد دیگر از عدم بازگشت آن بزرگواران در اربعین اول حکایت دارد. از این رو، در میان علما و محققان در این مسئله دو دیدگاه شکل گرفته است: برخی ورود اهل بیت را در روز اربعین سال ۶۱ هجری به کربلا رد کرده و حتی ناممکن بر شمرده‌اند؛ اما برخی دیگر از بازگشت آن بزرگواران به کربلا دفاع کرده و دلایلی را در اثبات آن اقامه نموده‌اند.

ما در اینجا نخست این دو نظریه و مستندات آنها را مورد بحث قرار داده، سپس به نقد و ارزیابی آنها می‌پردازیم.

۱. مجله تاریخ در آینه پژوهش، ش ۶ (تابستان ۱۳۸۴)، ص ۱۴۷-۱۸۲.

۱. دیدگاه مخالفان بازگشت اهل بیت به کربلا

در سخنان شیخ مفید و شیخ طوسی و در دوره‌های بعد، رضی‌الدین حلی و ابراهیم کفعمی اشاراتی به عدم بازگشت اهل بیت به کربلا دیده می‌شود؛ چنان‌که در گزارش از مراجعت آنان از شام می‌گویند: اهل بیت امام حسین علیه السلام در بیستم صفر از شام به مدینه بازگشتند و در این روز جابر بن عبدالله انصاری از مدینه به کربلا رفت و او اولین زائر قبر سیدالشهدا علیه السلام بود. (مفید، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰-۵۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۷؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۹؛ کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۱۰)

سید بن طاووس در کتاب *الإقبال* آمدن اهل بیت را در روز اربعین به کربلا بعید شمرده، چنین استدلال می‌کند که اگرچه در *مصباح المتجهّد* یافتیم که اهل بیت از شام به مدینه مراجعت کردند و در غیر *مصباح* دیدیم که آنان در روز بیستم صفر به کربلا بازگشتند؛ اما هر دو احتمال بعید است؛ زیرا مدت اقامت اسیران در کوفه و شام طولانی بود و تا چهل روز نمی‌توانستند به مدینه یا کربلا برسند. (سید بن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۱)

البته سید بن طاووس در *لهوف* از آمدن اهل بیت به کربلا و ملاقات با جابر سخن گفته؛ است اما در آنجا تصریح نکرده که این بازگشت و ملاقات در روز اربعین بوده است. (سید بن طاووس، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴) پس سخنان وی در *لهوف* با آنچه در *الإقبال* گفته، تعارض ندارد و می‌تواند بیانگر ملاقات اهل بیت با جابر در زمان دیگری پس از اربعین باشد.

علامه مجلسی نیز ورود اهل بیت را به کربلا در روز اربعین بعید دانسته، می‌نویسد: بین اصحاب ما در وجه استحباب زیارت اربعین، چنین مشهور است که اهل بیت امام حسین علیه السلام در روز اربعین از شام به کربلا بازگشتند و امام سجاد علیه السلام سرهای شهیدان را به بدن‌ها ملحق کرد. اما این دیدگاه بعید است؛ زیرا مدت زمان چهل روز برای بازگشت آنان به کربلا کفایت نمی‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۳۳۴)

اما در قرن چهاردهم، محدث نوری (نوری، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳-۲۵۰) و پس از وی برخی شاگردانش مانند شیخ عباس قمی (قمی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۴۱-۱۰۴۴) و در اواخر شهید

مطهری (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۷۸-۷۹ و ۵۸۶)، بازگشت اهل بیت را در اربعین به کربلا به شدت رد کردند و حتی از نظر عقلی ناممکن دانستند.

شدیدترین نقد بر نظریه بازگشت اهل بیت در اربعین از سوی محدث نوری مطرح شده است. وی هفت اشکال بر این نظریه وارد دانسته و به تحلیل و تبیین آن پرداخته است. خلاصه اشکالات ایشان عبارت است از:

۱. سید بن طاووس که در *لُهوف* بازگشت اهل بیت به کربلا و ملاقات آنان با جابر را روایت کرده، در کتاب *الإقبال* متوجه مشکلات این نظریه شده و در نهایت آن را بعید شمرده است.

۲. طبری و شیخ مفید که سرگذشت اهل بیت در شام و بازگشت آنان را به مدینه گزارش کرده‌اند، از آمدن اهل بیت به کربلا سخن نگفته‌اند.

۳. برخی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی نه تنها اشاره‌ای به بازگشت اهل بیت به کربلا نکرده‌اند، بلکه تصریح نموده‌اند که آنان از شام به سوی مدینه بازگشتند.

۴. کتاب‌های *بشارة المصطفى* و *مصباح الزائر* که ورود جابر را به کربلا گزارش کرده‌اند، از بازگشت اهل بیت به کربلا و ملاقات آنان با جابر ذکری به میان نیاورده‌اند.

۵. به خاطر طولانی بودن مسافت بین شام و عراق، بازگشت اهل بیت در مدت زمان کوتاه عملاً ناممکن، بلکه از ممتنعات است.

۶. اگر امام سجاد علیه السلام در اربعین به کربلا آمده بودند، مطرح شدن جابر به عنوان اولین زائر قبر سیدالشهداء مناسب نبود.

۷. وقتی یزید اهل بیت را در ماندن به شام و رفتن به مدینه مخیر گذاشت، آنان بازگشت به مدینه را انتخاب کردند و در اینجا سخنی از بازگشت به کربلا مطرح نبود. از سوی دیگر راه عراق و مدینه از خود شام جدا می‌شود، نه اینکه عراق در مسیر مدینه باشد.

(نوری، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳-۲۵۰)

۲. دیدگاه موافقان بازگشت اهل بیت به کربلا

در مقابل دیدگاه منکران بازگشت اهل بیت به کربلا در روز اربعین، عده دیگری بر این باورند که آن بزرگواران در روز اربعین سال ۶۱ هجری به کربلا آمدند و با جابر بن عبدالله انصاری ملاقات کردند و نیز سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام را آوردند و به بدنش ملحق نمودند. مسئله بازگشت اهل بیت سیدالشهداء علیهم السلام به کربلا با مسئله بازگرداندن سر آن حضرت به بدن مطهرش نیز ارتباط دارد. بنابراین، در بیان دیدگاه‌ها و شواهدی که از بازگشت اهل بیت حکایت دارند، به گزارش‌های مربوط به بازگرداندن سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام نیز می‌پردازیم.

ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ق) می‌گوید: در روز بیستم صفر سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام را به بدنش بازگرداندند و زیارت اربعین مربوط به این روز است و اهل بیت سیدالشهداء علیهم السلام بعد از بازگشت از شام آن حضرت را زیارت کردند. (بیرونی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۲)

شیخ صدوق و فتال نیشابوری پس از آنکه احوال اسیران اهل بیت را در شام گزارش می‌کنند، می‌گویند: آنان در چنین روزگاری بودند تا امام سجاد علیه السلام با زنان از شام بیرون شدند و سر مطهر امام حسین علیه السلام را به کربلا برگرداندند. (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۶۸؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۲)

سید مرتضی درباره سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام می‌گوید: بعد از آنکه به شام برده شد، به کربلا بازگردانده شد و به بدن مطهر حضرت ملحق گردید. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۳۰)

علامه طبرسی از قول سید مرتضی این‌گونه نقل می‌کند که او در بعضی مسائل خود آورده است که سر مطهر حسین بن علی علیه السلام را از شام به کربلا بازگردانده، به بدن مطهرش ملحق کردند. (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵)

ابن شهر آشوب قول سید مرتضی و شیخ طوسی را چنین حکایت می‌کند که سید مرتضی در بعضی مسائل خود گفته که سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام از شام به کربلا برگردانده شد و به

بدن حضرت ملحق گردید و شیخ طوسی گفته که زیارت اربعین نیز به همین خاطر وارد شده است. (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۷۷)

ابن نما حلی از میان اقوال مربوط به محل دفن سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام، تنها این قول را قابل اعتماد می داند که سر حضرت در کربلا به بدن مطهرش ملحق شد. (ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۷)

سید بن طاووس می گوید: روایت شده که سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام را بازگردانده، با بدن مطهرش دفن کردند و عمل شیعه نیز مطابق همین دیدگاه بوده است. (ابن طاووس، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴)

شیخ مفید و شیخ طوسی و نیز رضی الدین حلی و ابراهیم کفعمی ورود جابر را در روز اربعین سال ۶۱ هجری به کربلا گزارش کرده و او را اولین زائر قبر سیدالشهداء علیه السلام دانسته اند. (مفید، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰-۵۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۷؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۹؛ کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۱۰)

ابن نما حلی در *مُثیر الأحزان* و سید بن طاووس در *لهوف*، از بازگشت اهل بیت از شام به کربلا و ملاقات آنها با جابر بن عبدالله انصاری سخن گفته اند، اما به این مسئله که بازگشت اهل بیت و ملاقات با جابر در روز اربعین بوده، اشاره نکرده اند. (ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۷؛ سید بن طاووس، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴) اگرچه سید بن طاووس در کتاب *الإقبال آمدن اهل بیت در روز اربعین را بعید شمرده*، لیکن در آنجا نیز اصل بازگشت اهل بیت را از شام به کربلا رد نکرده است. (سید بن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۰۱)

شیخ بهائی در *توضیح المقاصد* روز نوزدهم صفر را اربعین سیدالشهداء علیه السلام و روز زیارت اربعین امام حسین علیه السلام دانسته، می گوید: جابر برای زیارت قبر آن حضرت در این روز وارد کربلا گردید و ورود وی با ورود اهل بیت سیدالشهداء علیه السلام به کربلا همزمان شد. (بهائی، ۱۸۹۶، ص ۶)

علامه مجلسی با اینکه آمدن اهل بیت را در روز اربعین به کربلا بعید می داند، اما از مشهور بودن آن در میان شیعیان حکایت می کند. وی می گوید: در میان شیعه چنین مشهور

شده که علت استحباب زیارت اربعین بازگشت اهل بیت از شام به کربلا و بازگرداندن سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ص ۳۳۴) بنابراین، سخن علامه نشان می‌دهد که مسئله بازگشت اهل بیت در روز اربعین از قدیم در میان شیعیان مشهور بوده است.

باتوجه به این شواهد و قراین، می‌بینیم که برخی علمای متأخر در پی اثبات نظریه بازگشت اهل بیت به کربلا برآمده و به دفع شبهات و اشکالات منکران آن پرداخته‌اند. محمدتقی ارباب در *الاربعین الحسینیه* می‌نویسد: ورود اهل بیت به کربلا را بسیاری از عامه و خاصه ذکر کرده‌اند. از سوی دیگر در سیره و تاریخ محفوظ است که آنان بعد از سال شهادت سیدالشهداء علیه السلام به عراق مسافرتی نداشتند. وی درباره اشکالات محدث نوری نیز می‌گوید: سخنان ایشان استبعادی بیش نیست، اما روایات منقول را به استغراب نمی‌توان تکذیب کرد. (ارباب، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵-۲۰۶)

سید محسن امین با اشاره به اینکه مسئله بازگشت اهل بیت در اربعین مشهور است، می‌گوید: اگرچه بعضی بازگشت آن بزرگواران را به این علت بعید شمرده‌اند که مسافت بین شام و کوفه نیاز به یک ماه زمان دارد و از سوی دیگر اهل بیت مدتی در کوفه و شام توقف داشتند، پس رفتن آنان از کوفه به شام و بازگشت از شام به کربلا در چهل روز ناممکن است؛ اما این شبهه به راحتی قابل دفع است؛ چون بین شام و عراق مسیر مستقیمی وجود دارد که در یک هفته طی می‌شود و در زمان ما عرب‌های عقیل آن را در این مدت می‌پیمایند و عرب‌های صلیب بین حوران و نجف را در هشت روز طی می‌کنند. نیز برخی اخبار وجود دارد که از رفتن نامه‌رسان از شام به عراق در یک هفته حکایت می‌کند. بنابراین درباره بازگشت اهل بیت نیز می‌توان گفت: آنان شاید از این مسیر مستقیم رفته باشند و نیازمندی‌ها و اسباب سفرشان را به حد کافی تهیه کردند و مدت اقامتشان در کوفه و شام نیز شاید کم بوده است. (امین عاملی، ۱۴۰۶، ج ۴، [چاپ ۵۳ جلدی]، قسم ۱، ص ۲۷۱)

سید محسن امین در *لواعج الأشجان* وقتی خبر عطیه عوفی را از کتاب *بشارة المصطفی* در چگونگی ورود جابر به کربلا در روز اربعین نقل می‌کند، اضافاتی را می‌آورد که حکایت از ملاقات اهل بیت با جابر دارد. مسئله ملاقات اهل بیت با جابر در روز اربعین در نسخه کنونی *بشارة المصطفی* وجود ندارد؛ پس ایشان به احتمال زیاد به نسخه‌ای از این کتاب دسترسی داشته که در بردارنده بحث ملاقات اهل بیت با جابر نیز بوده است. (امین عاملی، ۱۹۹۶، ص ۱۸۵)

اما قاضی طباطبائی از جدی‌ترین طرف‌داران نظریه بازگشت اهل بیت به کربلاست. وی در این مسئله پژوهش گسترده‌ای را با عنوان «تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء» انجام داده و سعی کرده است تمام شواهد و قراینی را که بر بازگشت اهل بیت به کربلا دلالت دارند جمع‌آوری کند و اشکالات و شبهات مخالفان، از جمله محدث نوری را پاسخ دهد.

او در ابتدای کتاب خود، بحث را با این سخن آغاز می‌کند که تا قرن هفتم هجری از علمای شیعه، جز سید بن طاووس دیگر کسی دیده نشده است که در موضوع ورود اهل بیت در روز اربعین به کربلا اشکال کند؛ اما در این اواخر محدث نوری با طرح شبهات فراوان، در جهت نفی آن بسیار تلاش کرده و حتی آمدن اهل بیت را در اربعین از محالات شمرده است. بعد از وی برخی شاگردانش نیز از روی تعصب استادی و شاگردی، راه او را در پیش گرفته و به این شبهات دامن زده‌اند، در حالی که بین شیعه مشهور است که امام سجاد علیه السلام پس از چهل روز سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام را آوردند و به بدن آن حضرت ملحق کردند. (قاضی طباطبائی، ۱۳۸۳، ص ۲-۳)

قاضی طباطبائی شبهات و اشکالات محدث نوری را یکایک بررسی کرده و پاسخ گفته است. باتوجه به اقوال و شواهدی که در اثبات دیدگاه موافقان بازگشت اهل بیت گزارش شد، دیگر نیازی به بیان پاسخ‌های محقق طباطبائی نیست؛ اما تنها به یک پاسخ ایشان درباره اشکال ناممکن بودن بازگشت اهل بیت به کربلا اشاره می‌شود:

یکی از اشکالات جدی منکران بازگشت اهل بیت، به ویژه محدث نوری این است که آنان از کربلا به کوفه و از کوفه به شام رفتند و مدتی هم در کوفه و شام اقامت داشتند. بنابراین بازگشت آنان در ظرف چهل روز به کربلا عملاً ناممکن است. اما قاضی طباطبائی در پاسخ به این اشکال، هفده نمونه را به عنوان شاهد آورده که از قدیم تا به امروز بعضی مسافران، زائران، سپاهیان و نامه‌رسانان فاصله بین عراق تا شام یا عراق تا مدینه و مکه را در پنج تا ده روز طی کرده‌اند. (قاضی طباطبائی، ۱۳۸۳، ص ۱۸-۷۲) این شواهد و نمونه‌ها، هم پاسخ به کسانی مانند محدث نوری است که امکان بازگشت اهل بیت را در اربعین از شام به کربلا محال دانستند و هم دلیلی بر اثبات امکان بازگشت اهل بیت از شام به کربلا در مدت زمان ده روز است.

نقد و ارزیابی دیدگاه‌ها

آنچه در بیان دیدگاه‌ها و دلایل دو نظریه گفته شد، نشان می‌دهد که هر دو طرف، دلایل و شواهد قابل توجهی دارند. از این رو، هیچ یک از دو دیدگاه از قطعیت برخوردار نیست و اظهار نظر قطعی در این مسئله دشوار است. ما در اینجا هر دو دیدگاه را بر اساس دلایل و شواهد آنها نقد و ارزیابی نموده، در نهایت به نتیجه‌گیری می‌پردازیم:

الف. ارزیابی دیدگاه مخالفان بازگشت اهل بیت به کربلا

در ارزیابی دیدگاه اول که مدعی عدم بازگشت اهل بیت به کربلاست، می‌توان مهم‌ترین دلایل و شواهد را سه مسئله دانست:

۱. ناممکن بودن بازگشت در فاصله زمانی چهل روز: با توجه به اینکه مسافت بین عراق و شام طولانی است و از سوی دیگر تا زمانی که ابن زیاد از شام کسب تکلیف کرد، اهل بیت در کوفه محبوس بودند و بعد از رفتن به شام طبق برخی گزارش‌ها، مدت یک ماه در آنجا ماندند، بنابراین چهل روز برای رفتن از کربلا تا شام و بازگشت از شام تا کربلا کافی نبوده و عملاً ناممکن است.

۲. گزارش نشدن بازگشت در منابع اولیه: طرفداران این نظریه می‌گویند: در منابع تاریخی متقدم، مانند *الطبقات الكبرى*، *الأخبار الطوال*، *أنساب الأشراف*، *تاریخ طبری*، *الفتوح والإرشاد* از بازگشت اهل بیت به کربلا سخنی گفته نشده است.

۳. تصریح برخی منابع متقدم بر مراجعت به مدینه: دلیل دیگر منکران بازگشت اهل بیت به کربلا این بود که در گزارش شیخ مفید و شیخ طوسی نه تنها از بازگشت اهل بیت از شام به کربلا سخنی به میان نیامده، بلکه تصریح شده است که آنان از شام به مدینه مراجعت کردند.

اما این استدلال‌ها از جهاتی قابل نقض است:

اولاً، گرچه برخی گزارش‌ها بیانگر توقف طولانی اهل بیت در کوفه و شام است، اما گزارش‌های دیگر این احتمال را می‌رساند که آنان در کوفه تا پنج روز و در شام تا ده روز بیشتر توقف نداشتند. از سوی دیگر چنان‌که بیرونی نقل کرده است، اهل بیت در اول صفر وارد شام شدند و در بیستم صفر به کربلا رسیدند و مطابق شواهد و قراین متعددی که قاضی طباطبائی بیان نموده است، امکان آمدن اهل بیت از شام تا کربلا در مدت ده تا دوازده روز، ممکن بوده و استبعادی ندارد.

ثانیاً، اینکه برخی تاریخ‌نگاران به این مسئله پرداخته‌اند، نمی‌تواند دلیلی بر عدم وقوع آن باشد؛ زیرا احتمال دارد آنان به این گزارش دست نیافته و یا به آن اهمیت نداده باشند.

ثالثاً، اینکه شیخ مفید و شیخ طوسی به بازگشت اهل بیت از شام به مدینه تصریح کردند و از بازگشت به کربلا سخنی به میان نیاوردند، اگرچه چالشی در برابر نظریه بازگشت است، اما سخن آنان نیز رفتن به کربلا را نفی نمی‌کند؛ زیرا تعبیر آنها این است که «اهل بیت از شام به مدینه مراجعت کردند»، نه اینکه در روز اربعین به مدینه رسیدند. بنابراین سخن آنان با رفتن به کربلا نیز قابل جمع است، با این توجیه که در بازگشت از شام در مسیر راه به کربلا رفتند و سپس به مدینه مراجعت کردند.

ب. ارزیابی دیدگاه موافقان بازگشت اهل بیت به کربلا

اما در سوی دیگر، طرفداران نظریه بازگشت اهل بیت به کربلا دلایل و شواهد بیشتری دارند که اگر همه آنها را کنار هم قرار دهیم، احتمال بازگشت اهل بیت به کربلا در روز اربعین تقویت می‌شود.

در ارزیابی نظریه بازگشت اهل بیت به کربلا، دو مسئله نیاز به بررسی دارد: یکی امکان بازگشت در فرصت محدود چهل روز؛ و دیگری دلایل و شواهد وقوع بازگشت به کربلا در روز اربعین.

یک) امکان بازگشت: درباره امکان بازگشت اهل بیت در روز اربعین به کربلا، اگرچه برخی مانند محدث نوری آن را از ممتنعات برشمرده‌اند، لیکن با ملاحظه گزاره‌های زیر می‌توان امکان آن را اثبات کرد:

۱. اگرچه برخی گزارش‌ها از توقف اهل بیت در کوفه تا کسب تکلیف از شام حکایت دارد (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۶۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۶ق، ص ۵۶؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۸۴؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳، ص ۲۲۲)، اما این تنها یک احتمال است، در حالی که احتمال دیگر این است که توقف آنان در کوفه تا پانزدهم محرم بیشتر نبوده است؛ چنان‌که سبط بن جوزی گفته است: ابن زیاد پس از دو روز سرهای شهدا و اسیران اهل بیت را به سوی شام فرستاد. (سبط بن جوزی، ۱۳۲۶، ج ۲، ص ۱۹۳)
۲. ابوریحان بیرونی به صراحت از ورود اهل بیت در اول صفر به شام خبر داده است. (بیرونی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۲)

۳. اگرچه برخی مدت اقامت اهل بیت را در شام، یک ماه (سید بن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۰۱) و یا ۴۵ روز (مغربی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۶۹) نوشته‌اند؛ اما گزارش‌های دیگر که مدت عزاداری اهل بیت را در شام سه روز (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۸۹؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۶۲؛ خوارزمی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۸۱-۸۲) و یا هفت روز (عمادالدین، طبری، ۱۳۸۳، ص ۶۴۴-۶۴۵) دانسته‌اند، این احتمال را تقویت می‌کند که اقامت آنان در شام نیز همین مقدار و یا نهایت ده روز بوده است.

۴. پیمودن مسیر شام تا کربلا در مدت ده تا دوازده روز با اسب‌ها و شترهای تیزرو امکان‌پذیر است؛ چنان‌که قاضی طباطبائی نمونه‌ها و شواهد متعددی را در اثبات این ادعا آورده است. (قاضی طباطبائی، ۱۳۸۳، ص ۱۸-۷۲)

۵. یزید هنگام مرخص کردن اسیران اهل بیت به نَعْمَان بن بشیر دستور داد که تمام وسایل و نیازمندی‌های سفر آنان را به بهترین وجه فراهم سازد. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۶۲؛ مفید، ۱۴۱۳ ق - الف، ج ۲، ص ۱۲۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۴؛ خوارزمی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۸۲؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۸۷-۸۸)

از مجموع این گزاره‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اگر اهل بیت در اول صفر به شام وارد شده و مدت ده روز یا کمتر در شام مانده باشند، در مدت باقی‌مانده که ده روز یا کمی بیشتر می‌شود، آمدن آن بزرگواران به کربلا ممکن بوده است، به‌ویژه اینکه گزارش‌های تاریخی از تهیه تمام نیازهای سفر آنان و همکاری خوب مأموران همراه با آنها حکایت دارد.

دو) وقوع بازگشت: پس از آنکه روشن شد بازگشت اهل بیت در اربعین سال ۶۱ هجری به کربلا امکان‌پذیر بوده است، باید دلایل وقوع بازگشت آن بزرگواران را ارزیابی کرد. اکنون از دلایل و شواهدی که در بحث دیدگاه موافقان بازگشت اهل بیت بیان شد، چند گزاره را استخراج کرده، به‌عنوان مقدمات استدلال در کنار هم قرار می‌دهیم:

۱. ابوریحان بیرونی از برگرداندن سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام در بیستم صفر و زیارت اهل بیت خبر داده است.

۲. میان شیعه مشهور است که سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام در کربلا به بدن آن حضرت ملحق شد.

۳. میان شیعه مشهور است که اهل بیت سیدالشهداء علیه السلام در اربعین از شام به کربلا آمدند.

۴. میان شیعه مشهور است که جابر در روز اربعین به کربلا آمد و او اولین زائر سیدالشهداء علیه السلام بود.

۵. طبق برخی گزارش‌ها، اهل بیت سیدالشهداء علیه السلام در کربلا با جابر ملاقات نموده، بر امام حسین علیه السلام عزاداری کردند.^۱

مجموع این گزاره‌ها در مرحله نخست، احتمال بازگشت آنان را در روز اربعین به کربلا تقویت می‌کند و در مرحله بعد، بر فرض عدم ورود آنان در روز اربعین، این احتمال را تقویت می‌نماید که آن بزرگواران مدتی بعد از اربعین به کربلا بازگشته و سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام را در کنار بدنش دفن کرده‌اند و ملاقات با جابر نیز در این زمان انجام شده است.

اما دلایل و شواهد یاد شده به طور قطعی نمی‌تواند نظریه بازگشت اهل بیت را اثبات نماید؛ زیرا تنها شهرت بازگشت اهل بیت به کربلا در روز اربعین برای اثبات مسئله کفایت نمی‌کند و ملاقات اهل بیت با جابر و شهرت بازگرداندن سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام، با احتمال آمدن اهل بیت در زمانی پس از اربعین نیز سازگار است. از سوی دیگر خبر ابوریحان بیرونی که به روز بیستم صفر تصریح کرده، چندان مورد توجه علما قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

از چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام در فرهنگ شیعه به عنوان «اربعین» یاد می‌شود و زیارت آن حضرت در این روز مستحب است و دو زیارت نیز برای سیدالشهداء علیه السلام در این روز وارد شده است.

در میان شیعه مشهور است که جابر بن عبدالله انصاری در اربعین سال ۶۱ هجری برای زیارت امام حسین به کربلا آمد و او نخستین زائر سیدالشهداء علیه السلام بود. اما در بازگشت اهل بیت امام حسین علیه السلام از شام به کربلا در روز اربعین، اختلاف است و در این باره، دو دیدگاه مخالف و موافق شکل گرفته است.

۱. منابع و مستندات این گزاره‌ها در بحث «دیدگاه موافقان بازگشت اهل بیت به کربلا» بیان شد.

بر اساس دیدگاه مخالفان، بازگشت اهل بیت در اربعین سیدالشهداء علیه السلام به کربلا به علت مسافت طولانی بین شام و عراق، عملاً ناممکن بوده و در منابع اولیه نیز گزارش نشده و حتی برخی منابع متقدم به مراجعت آنان به مدینه تصریح کرده‌اند.

اما بر اساس دیدگاه موافقان، اولاً شواهد و قراین کافی بر امکان پیمودن مسافت شام تا عراق در مدت زمان ده روز وجود دارد و ثانیاً دلایل و شواهد متعددی از وقوع بازگشت اهل بیت به کربلا حکایت می‌کند؛ مانند مشهور بودن الحاق سر مطهر سیدالشهداء علیه السلام به بدن آن حضرت، مشهور بودن بازگشت اهل بیت به کربلا، تصریح ابوریحان بیرونی بر بازگرداندن سر مطهر امام حسین به کربلا در بیستم صفر و آمدن اهل بیت آن حضرت در این روز به کربلا، مشهور بودن تشرّف جابر بن عبدالله انصاری به کربلا در روز اربعین و ملاقات اهل بیت با جابر مطابق برخی گزارش‌ها.

در نهایت، می‌توان گفت: هر دو دیدگاه موافق و مخالف مسئله بازگشت اهل بیت به کربلا، دلایل و شواهد قابل توجهی دارند. بنابراین هیچ یک از دو دیدگاه از قطعیت برخوردار نیست و درباره آمدن اهل بیت به کربلا در اربعین اول، اظهار نظر قطعی دشوار است. البته دلایل و شواهد نظریه بازگشت اهل بیت به کربلا، بیشتر ایجابی بوده و دلایل و شواهد نظریه عدم بازگشت، بیشتر سلبی است. بر این اساس، نظریه بازگشت اهل بیت به کربلا در اربعین سال ۶۱ محتمل‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا مشهور بودن الحاق سر مطهر امام حسین به بدن حضرت و مشهور بودن آمدن اهل بیت به کربلا و نیز گزارش بیرونی از آمدن اهل بیت به کربلا و بازگرداندن سر آن حضرت و خبر ملاقات اهل بیت با جابر در کربلا، احتمال بازگشت آن بزرگواران را در روز اربعین و یا چند روز بعد از اربعین تقویت می‌کند.

منابع

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن ابی‌الکرم (۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمان (۱۴۲۶ق)، *الرّد علی المتعصّب العنید المانع من ذمّ یزید*، تحقیق محمد هیثم عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۳. ابن سعد، محمد (۱۴۱۴ق)، *الطبقات الکبری، الطبقة الخامسة*، تحقیق محمد بن صامل السلمی، طایف، مکتبة الصدیق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی‌تا)، *المناقب (مناقب آل ابی‌طالب)*، تصحیح هاشم رسولی و محمدحسین آشتیانی، قم، علامه.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۳۷۸ش)، *المزار الکبیر*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن نما حلّی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق)، *مُثیر الأحزان*، قم، مدرسه امام مهدی.
۷. ارباب قمی، محمد بن محمدتقی (۱۳۷۹)، *الاربعین الحسینیة*، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، (نسخه دیجیتال کتابخانه قائمیه اصفهان).
۸. امین عاملی، سید محسن (۱۴۰۶ق)، *أعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۹. _____ (۱۹۹۶م)، *لواعج الأشجان فی مقتل الحسین*، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالأمیر للثقافة و العلوم.
۱۰. بهائی، محمد بن حسین (۱۸۹۶م)، *توضیح المقاصد*، مصر، مطبعة المحروسه (موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم).
۱۱. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۸۰)، *الآثار الباقیة عن القرون الخالیة*، تحقیق پرویز ادکابی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۱۲. حلّی، علی بن یوسف (۱۴۰۸ق)، *العُدّد القویة لدفع المخاوف الیومیة*، تحقیق مهدی رجائی و محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۳. خوارزمی، موفق بن احمد اخطب خوارزم (۱۳۸۱)، *مقتل الحسین*، تحقیق محمد سماوی، قم، انوار الهدی.

۱۴. سبط بن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۳۲۶ق)، تذکرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة، تحقیق حسین تقی زاده، قم، المجمع العالمی لأهل البيت.
۱۵. سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶)، الإقبال بالأعمال الحسنة، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. _____ (۱۳۸۳)، لهوف (سوغنامه سالار شهیدان)، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، چ ششم، قم، انتشارات نبوغ.
۱۷. _____ (۱۴۱۷ق)، مصباح الزائر، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۱۸. شریف مرتضی (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، قم، دار القرآن الکریم.
۱۹. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۰ق)، المزار، قم، مدرسه امام مهدی.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶ش)، الأمالی، چ ششم، تهران، کتابچی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. طبری، ابی جعفر محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳ق)، بشارة المصطفی لشيعة المرتضی، ط. الثانيه، نجف، المكتبة الحيدريه.
۲۳. طبری، عمادالدين حسن بن علی (۱۳۸۳ش)، کامل بهائی، تصحیح اکبر صفدری قزوینی، تهران، مرتضوی.
۲۴. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م)، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ط. الثانيه، دارالتراث.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تصحیح حسن موسوی خراسان، ط. الرابعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. _____ (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسة فقه الشيعه.
۲۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، قم، رضی.
۲۸. قاضی طباطبائی، سید محمدعلی (۱۳۸۳ش)، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۰)، منتهی الآمال، تهران، مبین اندیشه.

۳۰. کفعمی عاملی، تقی‌الدین ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق)، مصباح الکفعمی (جُنة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية)، ط. الثانية، قم، دار الرضی.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تصحيح جمعی از محققان، ط. الثانية، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، مجموعه آثار، ج ۱۷ (حماسه حسینی)، چ دهم، تهران، صدرا.
۳۳. مغربی تمیمی، قاضی نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، تحقیق محمد حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق - الف)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد.
۳۵. _____ (۱۴۱۳ق - ب)، كتاب المزار، تصحيح محمدباقر ابطحي، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد.
۳۶. _____ (۱۴۲۲ق)، مسار الشيعة در «مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمة»، بيروت، دارالقاری.
۳۷. نوری، میرزا حسین (۱۳۸۶)، لؤلؤ و مرجان، تحقیق جابر رضوانی، قم، بنی الزهراء.